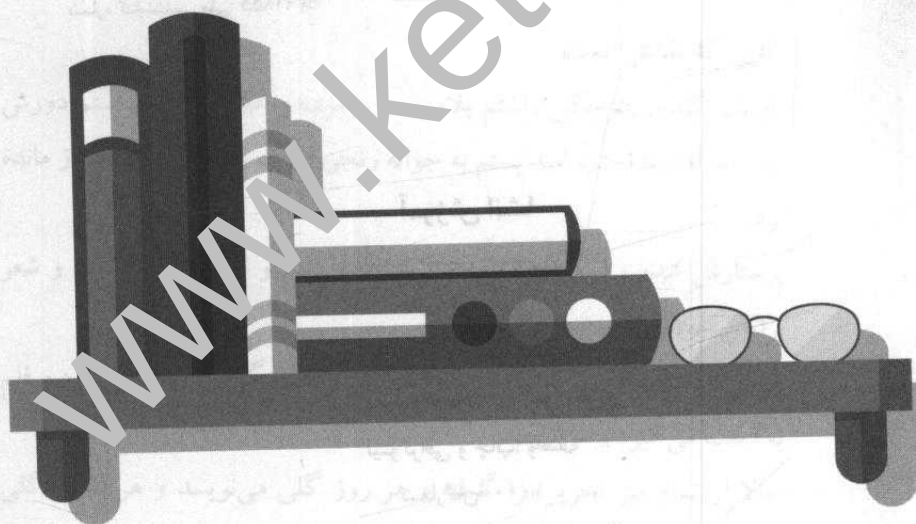


مطالعه درمیان
۱۴۵۸۸۱۴

حشت لول

گامی در آموزش انشا و نویسندگی

دوره اول دبیرستان



• حسین حسینی نژاد •

نشر لوح زرین

سرشناسه: حسینی نژاد، حسین، ۱۳۳۷ -

عنوان و نام پدیدآور: خشت اول: گامی برای آموزش انشا و نویسندگی دوره اول دبیرستان / حسین حسینی نژاد، همکاران جعفر خرازی... [و دیگران].

مشخصات نشر: تهران: لوح زرین، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری: ۱۰۰ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۷۲-۰۶۷-۳

وضعیت فهرست نویسی: فیفا

یادداشت: همکاران جعفر خرازی، احمد درخشان، مریم رجبیه فرد، مریم رسولی، سید مصطفی طباطبایی، سید سروش طباطبایی پور، منیژه قاسمی فرد، مریم قدرت آبادی، پگاه گنجی، ابراهیم هداوند میرزایی، ثریا نصرت آبادی.

عنوان دیگر: گامی برای آموزش انشا و نویسندگی دوره اول دبیرستان.

موضوع: فارسی - انشا و تمرین - راهنمای آموزشی (متوسطه)

موضوع: Persian language -- Composition and exercises -- Study and teaching (Secondary)

موضوع: نویسندگی - راهنمای آموزشی

موضوع: Authorship -- Study and teaching

شناسه اثر: خرآ - جعفر، ۱۳۴۲ -

رده بندی کنگ: ۱۳۹۷/۵۶۸ ج/PIR۲۸۳۹

رده بندی دیویی: ۸۰۱/۰۰۱

شماره کتابشناسی: ۳۹۱۸۵

آموزش انشا

تألیف: حسین حسینی نژاد

ناشر: لوح زرین

طراح جلد: زهرا رجبی

گرافیکست و صفحه آرا: زهرا رجبی

لیتوگرافی و چاپ: واصف

شمارگان: ۱۰۰۰

چاپ اول: ۱۳۹۷

قیمت: ۱۴۰۰ تومان

نشانی: میدان انقلاب، خیابان جمالزاده جنوبی، خیابان کلهر، پلاک ۲۸، واحد ۸

تلفن: ۶۶۹۱۸۱۵۵، همراه: ۰۹۱۹۴۸۲۸۸۲۸

کلیه حقوق نشر محفوظ است.

فهرست مطالب

۶	با دانش‌آموزان
۸	با دبیران انشا
۹	مقدمه

بخش اول

۱۲	آیا نوشتن استعداد می‌خواهد؟
۱۳	چرا بعد از انشاها جذاب هستند؟
۱۳	۱. ساده‌نویسی
۱۴	۲. شروع‌های زیاده‌تر
۱۵	- شروع‌های تکراری
۱۶	- شروع‌های غب‌استان
۱۸	۳. تمرکز در نوشته
۱۹	۴. پایان‌های مرتبط و دلچسب

بخش دوم

۲۳	عواملی که خواننده را گریزان می‌کند
۲۶	۱. شعارزدگی
۲۸	۲. پرش‌های ناگهانی
۲۸	۳. تکرار
۳۲	۴. تعطیلی حواس
۳۴	۵. شروع پیچیده
۳۵	۶. شکسته‌نویسی

بخش سوم

۳۷	
۴۰	خیالی بنویسیم

۴۱ جمله‌سازی

۴۳ اگر/ فرض کنید/ تصور کنید

۴۴ معجون‌سازی

۴۵ دستورالعمل‌سازی

۴۵ تبلیغ کنید

۴۶ خاطره بنویسیم

۵۰ نامه بنویسیم

۵۴ تصویرنویسی

۵۷ شعر بسراییم

۶۴ طنز بنویسیم

۷۰ - کاریکاتور

۷۱ - کاریکلماتور

۷۲ داستان بنویسیم

۷۸ موضوع برای نوشتن

۸۰ متفاوت بنویسیم

۸۲ با حواسمان بنویسیم

۸۷ بخش چهارم

۹۰ بازنویسی

۹۱ ساختمان نوشته

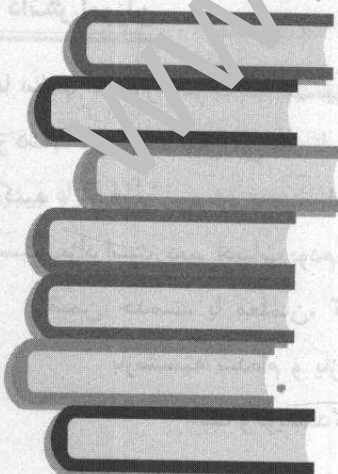
۹۲ بندنویسی

۹۴ نقشه راه

۹۵ عامیانه‌نویسی

۹۸ علایم نگارشی

۹۹ منابع



دانش آموزان عزیز، وقتی می‌خواستیم این کتاب را بنویسیم، مانده بودم از کجا شروع کنم. چقدر بنویسم که شما بپسندید و زود آن را کنار نگذارید و بروید سراغ کار دیگر، سراغ بازی، سراغ گوشیتان. خیلی فکر کردم. کتاب‌هایی را که در این مورد نوشته بودند، نگاه کردم؛ دیدم زمان و زبان‌شان کمی تا قسمتی گذشته است.

یک‌بار شروع کردم به نوشتن از قواعد و قوانین نوشتن. مثال آوردم و تمرین دادم. از شما هم خواستم تا آن‌ها را پاسخ دهید. دیدم نه، چیزی که می‌خواهم، نشده است. چنگی به دل نمی‌زند. مطمئن بودم که اولش را به زور خواهید خواند. این بود که دوباره جستجو کردم. دوباره فکر کردم که شاید راه دیگری باشد؟ همیشه هم شروع خیلی سخت است. مثل بعضی از شماها که موقع انشای می‌گویید: «اگر اولش را بگوئید تا آخرش را می‌نویسم. آقا، خانم، مامان، بابا، رفیق فقط اولش را بگو، خودم تا آخر می‌نویسم.» من هم گرفتار اولش شده بودم. البته این گیر کردن از چند سال پیش است. به خاطر سختی کار، مرتب از آن فرار می‌کردم و خودم را سرگرم کارهای دیگر می‌کردم. به کتابی افتادم که چند سال قبل آن را خواندم؛ اسمش بود *قورباغه‌ها را قورت بده*. اوایل خیلی محتوای این کتاب توجه داشت. بعد به مرور مثل چیزهای خوب دیگر فراموش کردم. نویسنده می‌گفت وقتی می‌خواهی چند کار را انجام بدهی و بعضی‌هایش برایت خیلی سخت است، اول بر سر آن‌ها همان که از همه سخت‌تر است. اول قورباغه بزرگ را بخور تا راحت شوی. باید بخوری و از پیش‌پا نیازی داری. اما ما مدام می‌رویم سراغ کارهای پیش‌پا افتاده و کوچک‌تر. من هم هرکاری می‌کردم، سراغ نوشتن این کتاب نروم. بالاخره تصمیم گرفتم قورباغه بزرگ را نوش جان کنم و بگذارم ریش کنه. حالا نمی‌دانم کجا بودم که بحث قورباغه پیش آمد. دوستی داشتم از بس قورباغه تشریح کرد، آخرش رفت رشته پزشکی!

خلاصه این‌بار که آمدم سراغ نوشتن کتاب، ابتدا راه اول را رفتم، به دلم ننشست. باز گفتم بیایم درباره ساختار نوشته صحبت کنیم. درباره اهمیت توصیف و استفاده از حواس، همچنین از گام‌های نوشتن و استفاده از آرایه‌های ادبی بنویسم. در نهایت تمرین هم بدهم تا ببینم چه پیش می‌آید. باز هم هرچه جلوتر رفتم، دیدم این هم آنی نیست که می‌خواستیم. دیدم من

این طرف کتاب هستم و شما آن طرف کتاب و ارتباط صمیمانه و خوبی باهم نداریم. با خودم گفتم هرطور شده، باید این مشکل را حل کنم. باید این کتاب دلچسب شود، مثل عسل، مثل مربای توت‌فرنگی تازه، مثل یک فیلم سینمایی خوب که آدم دوست دارد تا پایان آن را ببیند. یک‌دفعه یاد انشاهایی افتادم که در این مدت به دستم رسیده است. گفتم سری بزنم و تعدادی از آن‌ها را دوباره بخوانم، شاید راه ورود را پیدا کنم. چه جرقه خوبی بود، یک صاعقه نورانی! راه برایم باز شد. از طرفی از همکارانم که انشا تدریس می‌کنند، پرسیدم: «مهم‌ترین مشکلات انشای دانش‌آموزان چیست؟ بهترین ویژگی انشاهای آنان چیست؟» پاسخ‌های آنان نیز را انشای کارم شد. مطالعات و تجربه‌های قبلی‌ام چاشنی تألیف شد و هم‌اکنون نتیجه کار جلوی چشم‌های شماست و می‌توانید آن‌ها را بخوانید. نمی‌دانم چرا مطمئن هستم که از آن احساس رضایت خواهید کرد. امیدوارم همین‌طور باشد. یکی از دلایلی که به نظرم این است که پر از نوشته‌های خوب دانش‌آموزان است.

